

نقش و جایگاه ارتباطات سنتی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران

جواد نظری مقدم*

علی ایمانی**

چکیده

این مقاله سعی دارد تا با توجه به ادبیات حوزه فرهنگ و ارتباطات، ضمن پرداختن به پرسش چگونگی نقش و جایگاه ظرفیت‌های ارتباطات سنتی تاریخ اجتماعی ایران در جنبش‌های عدالت‌خواهانه و حرکت سیاسی اجتماعی انقلاب اسلامی ایران به ارائه تصویری شفاف و گویا از نفوذ و حضور و نقش کاربردی رسانه‌های سنتی در حوزه‌های اجتماعی بپردازد. با توجه به نقش و تأثیر علما، مسجد، منبر، بازار، مراسم عزاداری، تجمعات و حرکت‌های جمعی سنتی مرسوم در جامعه مذهبی ایران و دیوارنوشته‌ها و دیگر ظرفیت‌های فرهنگی و ارتباطی، می‌توان به اهمیت و ضرورت واکاوی و بازتعریف مفهوم ارتباطات سنتی در ادبیات حوزه فرهنگ و ارتباطات اسلامی پی برد و دریافت که ارتباطات سنتی به عنوان عمیق‌ترین و ساده‌ترین نوع ارتباطات، نقش بی‌بدیلی در فرهنگ شفاهی ایران اسلامی و تحولات سیاسی اجتماعی معطوف به انقلاب اسلامی داشته است.

واژگان کلیدی

ارتباطات سنتی، انقلاب اسلامی، امام خمینی ره، روحانیون، مسجد و منبر، جنبش‌های اجتماعی.

*. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
j.nazaris@gmail.com

** دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مدرس انقلاب اسلامی.
e_setvat@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۵

مقدمه

ارتباطات سنتی^۱ که ریشه در فرهنگ و هویت بومی^۲ جوامع دارد همواره به عنوان یکی از عناصر مهم حیات اجتماعی، نقشی تعیین کننده و مهم در شکل گیری هویت جمعی و بسیج افکار عمومی^۳ و ایجاد همدلی و تقویت روحیه همگرایی و نشر عقاید و ایده‌ها در سطح وسیعی دارد. مطالعه ارتباطات سنتی و حوزه عمومی^۴ و ابعاد تأثیر آنها در جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی، چند زمانی است که در سطح محدودی توجه بخشی از اندیشمندان حوزه ارتباطات را به کشف و شناخت هر چه بیشتر اجزا و عناصر آن معطوف کرده است. تاریخ ارتباطات شفاهی ایران، سرشار از نمونه‌ها و شواهد حضور و تأثیر شبکه ارتباطات و رسانه‌های سنتی در تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران است. کشف این شواهد و گزارش‌ها ما را در تحلیل هرچه بهتر و روشن‌تر ابعاد رسانه‌های سنتی و نقش و جایگاه آن در عصر حاضر و به ویژه حیات سیاسی اجتماعی ایران یاری خواهد کرد. این ارتباطات سنتی در جامعه شیعی ایران عمیق‌تر و غنی‌تر به نظر می‌رسد. هر پدیده اجتماعی^۵ در رابطه با نقش و جایگاه و میزان تأثیر و نتیجه و رسالت آن تبیین می‌شود. بنابراین، باید گفت نقش و جایگاه و اهمیت مفهوم ارتباطات سنتی با رسالت فرهنگ‌ساز و عمق بخشی به عقاید ملی و مذهبی و نشر افکار و عقاید در میان توده قابل تبیین است. نظر به اهمیت ارتباطات سنتی و تأثیر آن در تقویت شبکه ارتباطات اجتماعی^۶ و تعمیق باورهای ملی و دینی و ایجاد حرکت‌ها و خیزش‌های اجتماعی، مطالعه و مذاقه در این خصوص ما را به سوی درک صحیح و استفاده از آن در سیاست‌ها و برنامه‌های ملی رهنمون خواهد شد.

از طرف دیگر، توجه شایسته و بایسته‌ای به حوزه ارتباطات سنتی در جهان امروز و لزوم حرکت در مسیر توسعه ادبیات و ایده‌های کارساز در حوزه فرهنگ و ارتباطات نشده است، بنابراین کشف الگوها و ساختار و ابعاد تأثیرگذاری اجزای مختلف شبکه ارتباطات سنتی به عنوان یکی از ظرفیت‌های فرهنگی و ارتباطی شیعه در فرایند تحولات اجتماعی سیاسی ایران اهمیت و ضرورت دوجندانی پیدا می‌کند.

مهم‌ترین سؤالی که این مقاله در صدد پاسخ به آن برآمده است نحوه و چگونگی تأثیر عناصر و ابزارهای ارتباطات سنتی جوامع اسلامی در شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی - اجتماعی است. به این منظور می‌توان با مطالعه‌ای موردی دریافت که ارتباطات سنتی چه تأثیری در پیشبرد انقلاب اسلامی سال ۵۷ به عنوان یکی از حرکت‌های سیاسی اجتماعی تاریخ جوامع اسلامی داشته است؟ لازمه پاسخ به این پرسش، این است که ضمن مطالعه مصادیق و شواهد تاریخی، نقش و تأثیر ارتباطات سنتی در این رویداد بزرگ و جریان‌ساز، نحوه

-
1. Traditional communication.
 2. Local identity.
 3. Public opinion.
 4. Public sphere.
 5. Social phenomenon.
 6. Social communication.

تعامل و ارتباط میان هر یک از این نهادها و مراکز و اجزای شبکه سنتی تبیین گردد. این تحقیق با استناد به پاره‌ای از منابع و اسناد منتخب به مطالعه شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی ایران در آستانه انقلاب اسلامی می‌پردازد.

انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی با ایجاد گفتمانی جدید در عرصه سیاست جهانی، ضمن شکل‌دهی مناسباتی اثرگذار در حوزه فرهنگ و ارتباطات، چشم‌اندازی نو را در تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران گشود و «نشان داد که راه دنیای معاصر یک‌طرفه نیست و گذار از جامعه سنتی به مدرن را نباید مترادف سنت‌زدایی دانست». (باهر، ۱۳۸۷: ۱۲) در عصری که تمدن غرب جایگاه خود را در جهان تحکیم کرده و در حال گسترش گستره و دامنه خویش بود و در حالی که جریان دینی و باورهای دینی را بزرگترین مانع پیشرفت و توسعه فرهنگی سیاسی بشر قلمداد می‌کرد، این حرکت نوظهور با الهام از آموزه‌های دین آغاز شد و ثابت کرد که می‌تواند جریان‌ساز باشد. این انقلاب با ظرفیت و پشتوانه گسترده فکری و اعتقادی خود، نگاهی نو به جهان، انسان و مناسبات او ارائه کرد (درخشه، ۱۳۸۸: ۲۸۵) و حرکتی اجتماعی بود که با قدرت تمام در برابر فرهنگ مدرنیته قرار گرفت (حاجتی، ۱۳۸۱: ۴۱) و از حیث استفاده از ایدئولوژی بسیج‌گرایانه و شبکه شهری اسلامی - شیعی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. (فوران، ۱۳۸۳: ۵۵۳ - ۵۲۹)

آیت‌الله مطهری، انقلاب اسلامی را شاخه‌ای از انقلاب انبیاء، خصوصاً انقلاب صدر اسلام ارزیابی و در این چارچوب، آن را تعریف می‌کند (مطهری، ۱۳۵۸) و جلال‌الدین فارسی آن را یک انقلاب اجتماعی اسلام (فارسی، ۱۳۶۸) یا یک انقلاب توحیدی اسلامی (فارسی، ۱۳۷۴) قلمداد می‌کند. محسن میلانی در باب انقلاب اسلامی می‌نویسد:

حادثه سال ۱۹۷۹ انقلاب به شمار می‌رود؛ چراکه طی آن، رژیم شاه با مشارکت جمعی طبقات پایین جامعه سرنگون، دولتمردان و اساس مشروعیت آن متحول و ساختارها و نهادهای جدیدی به جای آن ایجاد شد. (میلانی، ۱۳۸۱: ۴۱ - ۴۰)

ناصر جمال زاده نیز در این خصوص می‌نویسد:

برهیچ ناظری پنهان نیست که وجه غالب این انقلاب وجه فرهنگی آن است ... بنابراین به جرأت می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران توجه اندیشمندان انقلاب را به بعد فرهنگی انقلاب‌ها بیشتر کرد. (جمال‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۲)

از دیدگاه مهدی محسنیان راد نیز:

انقلاب اسلامی، انقلابی بود با محتوای به خود آمدن و به خود تکیه کردن، خودی که پایگاه آن

ریشه در باورهای عمیق ۱۴۰۰ ساله جامعه داشت. روی آوری به خود، همراه با نفرت و دوری از بیگانه بود. (محسنیان‌راد، ۱۳۷۵: ۴۴۸)

وحدت پیام و همدلی اقشار مردم و مراکز آگاهی‌بخش، سد مهمی در مقابل انحراف و خدشه‌دار شدن انقلاب اسلامی بود. این سه ویژگی، مهم‌ترین شاخصه‌های انقلاب اسلامی است که حتی به عنوان عوامل پیروزی انقلاب اسلامی در آن شرایط خاص نیز قلمداد می‌شوند. (ر.ک: محمدی، ۱۳۷۲: ۱۱۴ - ۸۲)

در صورت وجود عواملی همچون ناخشنودی تمام یا بخشی از جامعه، وجود ساختارهای مؤثر، واحد بودن آرمان همگان، شدید و فراگیر بودن روحیه انقلابی، کم‌تر قدرت سیاسی نظامی و حتی بین‌المللی توان ایستادگی و مقابله با آن نهضت را دارد (ملکوتیان، ۱۳۷۷: ۲۰) و این چیزی بود که در انقلاب اسلامی در ابعاد بسیار وسیع و روشنی قابل مشاهده بود.

قیام پانزده خرداد، تبعید امام علیه السلام از ایران به ترکیه و عراق و پاریس، تداوم حرکت روحانیت و روشنفکران، دانشگاهیان و مردم کوچه و بازار، شهروندان و روستاییان، سانسور و تبعید بسیاری دیگر از انقلابیان به نقاط مختلف کشور، قیام ۱۹ دی و بزرگداشت شهدای شهرهای مختلف، کشتار ۱۷ شهریور توسط رژیم و البته در حد محدودتری فعالیت‌ها و حرکت‌های برخی گروه‌های چریک و ملی مذهبی و دیگر حوادث و وقایع طول انقلاب، جریان نهضت را در مسیری هدایت و سوق داد که سرانجام به سقوط رژیم شاهنشاهی منجر شد.

اهمیت ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی

برخی صاحب‌نظران، عوامل اقتصادی و طبقاتی را مهم‌ترین عامل حدوث انقلاب‌ها می‌دانند و برخی دیگر، عوامل فرهنگی مانند هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی را عمده‌ترین عوامل وقوع انقلاب معرفی می‌کنند. کسانی هم هستند که بحران‌های سیاسی از قبیل بحران مشروعیت و قدرت و تجزیه قدرت سیاسی را مهم‌ترین عامل وقوع انقلاب می‌دانند. عده‌ای نیز آن را بر اساس عوامل روانشناختی و رفتاری تبیین می‌کنند. بنابراین، همیشه باید ردپای عوامل مختلفی را در هر انقلابی جست.

از جمله این عوامل مهم، شبکه ارتباطات سنتی و حوزه‌های عمومی و اجتماعی است که در سطح وسیعی در این حرکت، نقش آفرین بوده است.

شبکه ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی موجبات شگفتی بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان حوزه ارتباطات و جامعه‌شناسی سیاسی را فراهم آورد. الیهو کاتز، استاد علوم ارتباطات در ایالت متحده آمریکا در مقدمه کتاب *بازنگری امپریالیسم رسانه‌ای* می‌نویسد:

... مشاهدات ما در جریان انقلاب [امام] خمینی نشان دادند که نیرومندترین سازمان رادیو - تلویزیونی جهان سوم و دومین سازمان رادیو - تلویزیونی آسیا، پس از ژاپن، یعنی

«سازمان رادیو - تلویزیون ملی ایران»، با وجود تمام وفاداری به رژیم حاکم، در برابر یک شبکه ارتباطی میان‌فردی، مرکب از روحانیون، بازاریان و دانشجویان، با استفاده از اعلامیه‌ها و نوارهای صوتی کاست، فلج شد و از کار افتاد. پس از این، باید به همکاران پژوهشگر ارتباطات، توصیه کرد که درباره این پدیده جدید، به مطالعه بپردازند ... (فرقانی، ۱۳۸۷: ۶۱ - ۶۰)

الوین تافلر در جایی از نقش و تأثیر ترکیب رسانه‌های سنتی و مدرن در انقلاب، یعنی تلفیق موعظه‌های شفاهی و چهره به چهره با نوارهای صوتی و دستگاه‌های تکثیر و ابتکار امام خمینی علیه السلام در این رابطه سخن می‌گوید. (تافلر، ۱۳۷۰)

در واقع، انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه فرهنگی و ارتباطی، نشان داد که در کشورهای اسلامی به ویژه در ایران، رسانه‌های سنتی، هم گفتاری و هم مکتوب، نه تنها در مقابله و رویارویی با رسانه‌های جمعی جدید وجود و اهمیت خود را از دست نداده‌اند، بلکه با مشروعیت ویژه‌ای که در جامعه دارند، تحرک بیشتری در دو دهه اخیر پیدا کرده‌اند. این انقلاب مرهون تحرک و ابتکار زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی سنتی بوده و می‌باشد. (مولانا، ۱۳۷۱: ۸۵)

بنابراین می‌توان باور داشت که جریان گردش اطلاعات جوامع سنتی بیشتر از طریق وسایل و نهادهای سنتی با مشروعیت بسیار نسبت به ارتباطات مدرن انجام می‌گیرد. نهادها و مراکز و زیرساخت‌های سنتی و اسلامی از مشروعیت برخوردارند و به وسایل ارتباط جمعی مشروعیت می‌بخشند. (باهنر، ۱۳۸۷: ۶۲)

کازم معتمدزاد پدر علم ارتباطات در ایران در این زمینه معتقد است که کاربرد ارتباطات سنتی و مدرن در کنار هم باعث استفاده هر چه بیشتر از آنها شد. وی بر این باور است که «از طریق ارتباطات سنتی می‌توان شرایط بسیج عمومی را فراهم کرد. ارتباطات سنتی بهترین شیوه‌ای است که می‌توان از آن برای اهداف توسعه استفاده کرد». (فرقانی، ۱۳۸۷: ۶۶)

حال با تکیه بر این حقیقت روشن، یعنی نقش بدیع و چشمگیر ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی به بخشی از ابعاد وسیع این تأثیر پرداخته و به ابزارها و مکان‌ها و عناصری از شبکه ارتباطات سنتی که در این مسیر تأثیرگذار بودند اشاره می‌کنیم.

مهم‌ترین ارتباط‌گران سنتی انقلاب اسلامی

مرجعیت و روحانیت

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری و هدایت مرجعی روحانی، جایگاه روحانیت شیعی و تأثیر روشن کانونی‌ترین و محوری‌ترین ارتباط‌گران سنتی مؤثر در این نهضت در جریان شکل‌گیری و حرکت آن را بیشتر از گذشته برای صاحب‌نظران نمایان کرد.

حضور گسترده مردم با انگیزه‌های دینی از یک سو و حضور مراجع، علما و چهره‌های مذهبی در سطوح

رهبری از سوی دیگر، از مشخصه‌های بارز جنبش‌های مذکور است. (جلیلی، ۱۳۷۴: ۲۴۳)

انقلاب اسلامی را می‌توان نخستین حرکتی دانست که بر اساس آرمان و اهداف روحانیت و با رهبری امام خمینی رهبر در ایران اسلامی شکل گرفت و تداوم پیدا کرد و بالاخره به نتیجه رسید و «بدون ترغیب مراجع دینی، شرکت مردم و حمایت آنها از این حرکت‌ها غیرممکن بود». (عنایت، ۱۳۷۱: ۴) این بدین سبب بود که «روحانیون ما از جهاتی همانند احزاب سیاسی جهان دارای یک سازماندهی نسبتاً کارا، در سطح کل جامعه تا کوچک‌ترین واحد اجتماعی «محلات» بوده و هستند که اجزای آن در شرایط مناسب به طور منسجم از بالا تا پایین و همچنین از پایین به بالا نیز با هم ارتباط دارند». (رفعی‌پور، ۱۳۷۶: ۳۴۳)

سرعت انتقال و انتشار پیام دستگیری امام در خرداد ۱۳۴۲ علی‌رغم عدم انعکاس آن در جراید و روزنامه‌ها، ظرف چند ساعت، در شهرها و حتی روستاهای دور، گواه روشنی است بر این مدعا.

امام خمینی رهبر هدایتگر شبکه ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی

مهم‌ترین وجه متمایز حرکت امام خمینی نسبت به سایر علما و مراجع، هدفمند و تدریجی بودن آن است. امام نسبت به دیگر علمای وقت از بالاترین درجه اعتبار منبع در میان مردم برخوردار بود و به این طریق توانایی بیشتری در بسیج توده‌های مردم داشت. مطالعه تاریخ پرفراز و نشیب انقلاب اسلامی، بازگوکننده این واقعیت است که در شکل‌گیری، تداوم، بسیج، سازماندهی، اداره و نهادینه کردن انقلاب، امام خمینی رهبر نقشی اساسی داشته است.

تبعید امام به نجف، مانعی برای حرکت انقلابی او نبود؛ بلکه فرصتی شد تا با صدایی رساتر و شفاف‌تر ایده‌ها و آراء خویش را بیان کرده و بدون هراس از تهدیدها، طرح «حکومت اسلامی» را با تفصیل و تصریح ارائه کرد و باعث شد بعضی از روحانیان در آشنا جرئت پیدا کنند؛ زیرا «جمع قلیلی هم بودند که به این مسائل آشنا بودند، ولی جرئت اظهار این معانی برای آنها نبود که یکی از آثار و فواید بودن امام در نجف، جرئت پیدا کردن برخی از افراد در وارد شدن به مسائل اساسی اسلام بود». (توسلی، ۱۳۷۰: ۱۹)

ارتباط دوسویه امام و مردم

رهبری امام در طول دوره انقلاب، ویژگی منحصر به فردی داشت و آن هم تکیه بر حضور اقشار مختلف مردم در صحنه انقلاب و وحدت و هم‌آوایی بین آنان بود. با بررسی پیام‌ها و سخنرانی‌های امام در طول انقلاب این واقعیت روشن می‌شود که تکیه گاه امام در انقلاب، مردم بودند. از سوی دیگر با نگاهی به شعارهای مردم، واقعیت دوم یعنی وابستگی مردم به امام نیز آشکار می‌شود در حقیقت مردم و امام رابطه‌ای متقابل و دوسویه با یکدیگر داشتند.

آبراهامیان درباره شیوه خاص مبارزه امام رهبر و اهداف مبارزه ایشان می‌نویسد:

ایشان علناً شاه را محکوم می‌کردند. او را با یزید، خلیفه‌ای که قاتل حسین علیه السلام بود، مقایسه می‌نمودند و مسلمانان را به برانداختن رژیم پهلوی برانگیختند ... حکومتی ایده‌آل در نظر داشتند که در آن نقش اصلی را در همه عرصه‌های مهم جامعه، تفسیر و اجرای شریعت اسلام، آموزش و صیانت ملت، اعمال نظارت و سیطره بر سیاستمداران، علما به عهده داشتند. (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۴۳۸)

فوران درباره نوع انتقال ایدئولوژی و برقراری رابطه امام با مردم و زبان خاص امام که برای توده‌ها بسیار جذاب و فهمیدنی بود، می‌نویسد:

زبانی که آیت‌الله خمینی در سخنان خود مردم را مخاطب قرار می‌داد، شامل عباراتی نظیر «مردم آگاه، مبارز و شجاع ایران»، «ملت عزیز و شجاع» و «ایران مظلوم» بود و همه اینها احساسات ملی مردم را برمی‌انگیخت. او مدام اصطلاحات اسلامی «امت مبارز اسلامی» و «مردم مسلمان ایران را به کار می‌برد. (فوران، ۱۳۸۳: ۵۷۴)

نقش امام خمینی به عنوان هدایتگر اصلی جریان و شبکه ارتباطات سنتی و مدیریت پیام و محتوای نهضت و نیز در کنترل نگاه‌داشتن ابزارها و رسانه‌های سنتی و تداوم حرکت در این مسیر، موجبات متفاوت بودن انقلاب اسلامی را با دیگر نهضت‌های معاصر فراهم آورد و سبب شد تا ایشان با استفاده از کانال‌ها و مجاری ارتباطی مردمی و توده، رژیم پهلوی را علی‌رغم داشتن قدرت رسانه‌ای و ابزارهای مدرن سرنگون کنند.

واعظان و سخنرانان نهضت

سخنرانی و نطق‌های واعظ بزرگ به عنوان یکی از حلقه‌های مهم و جریان ساز شبکه ارتباطات سنتی نهضت، تأثیر بسیاری در حضور و ترغیب و تحریک مخاطبان و توده مردم در جریان انقلاب گذاشت. در بین خطبا و واعظ پیش از انقلاب، شیخ محمدتقی شریعتی در مشهد مقدس، آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مطهری در تهران، دکتر علی شریعتی در حسینیه ارشاد و شیخ احمد کافی (۱۳۵۷ - ۱۳۰۵) از نظر شهرت و محبوبیت در میان مردم عامه، جایگاهی ویژه‌ای داشت. طیفی از گروه‌های سنتی جامعه تا روشنفکران و بازاریان و دانشگاهیان و طبقات سنتی جامعه، مخاطبان پرتعداد این واعظ و سخنرانان را تشکیل می‌دادند. در یک تقسیم‌بندی اجتماعی و به تناسب مخاطبان واعظ می‌توان آنان را به دو دسته واعظان توده‌گرا و واعظان نخبه‌گرا تقسیم کرد. البته این وجه نام‌گذاری برای تسهیل در تبیین نقش سخنرانان در جنبش اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام است و گرنه این سخنرانان از همه اقشار اجتماعی مخاطبانی داشته‌اند.

یک. واعظ و سخنرانان توده‌گرا

کافی را باید از جمله این خطیبان و واعظ مبدع و صاحب سبک دانست. مخاطب اصلی منبرهای کافی، عامه

مردم کوچه و بازار بودند نه دانشجویان و روشنفکران. زبان وی در بیان مفاهیم دینی، زبانی ساده، همه‌فهم و مردمی بود. این چنین بود که عامه به راحتی با کلامش رابطه برقرار می‌کردند و همراه می‌شدند و تأثیر می‌پذیرفتند. محور اصلی منبرهای کافی ابراز عشق و علاقه به امام زمان علیه السلام و دعا برای ظهور و فرج ایشان بود. (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۹)

مهم‌ترین تأثیرگذاری سیاسی کافی در جریان درگذشت وی که بنا به گفته مراکز رسمی آن زمان در یک سانحه تصادف رخ داده بود نمایان شد. چراکه هواداران و مردم انقلابی با ارائه شواهد بسیار، آن سانحه را ساختگی قلمداد کردند. لذا مراسم تشییع جنازه وی در مشهد، به عرصه‌ای برای بیان اعتراضات مردم مبدل شد. (بی‌نا، ۱۳۸۳الف: ۱۶۶ - ۱۲۷)

مرحوم فلسفی، دیگر واعظ پرمخاطبی بود که توده‌های سنتی جامعه در منبر وی حاضر می‌شدند. فلسفی چنان شهرت و محبوبیتی داشت که حتی سران رژیم از جمله دکتر علی امینی، نخست وزیر، اسدالله علم و وزیران او هم گاه برای حفظ وجهه مذهبی خود بین توده مردم، پای منبر او حاضر می‌شدند. (دوانی، ۱۳۸۲: ۳۳۶ - ۳۲۳) وجهه و اعتبار فلسفی تا آنجا بود که سخنرانی‌های ماه رمضان سال ۱۳۲۷ش وی در مسجد شاه (امام خمینی فعلی) به دستور نخست وزیر وقت به طور مستقیم از رادیو پخش شد. (همان: ۱۲۷)

در کنار مباحث تربیتی و اخلاق و خانواده، خطر صهیونیسم برای مسلمانان، انتقاد از همکاری ایران و اسرائیل، دفاع از ملت مظلوم فلسطین، جنایات آمریکا در جهان و اعتراض به هویت‌گرایی اسلام‌ستیز رژیم پهلوی (باستان‌گرایی‌ها و ملی‌گرایی‌های یک‌سویه رژیم شاه) و گوشزد کردن خطر افکار مارکسیستی مهم‌ترین پیام‌ها و موضوعات سخنرانی‌های وی به شمار می‌رفت. وی چندین بار ممنوع‌المنبر شد و به زندان افتاد. در زندان، به پیشنهاد شهید مطهری و با احاطه کامل به نقش تعیین‌کننده و ارتباطی خطابه و سخنرانی به آموزش خطابه و سخنوری به زندانیان پرداخت. (فلسفی، ۱۳۸۲: ۲۹۶ - ۲۹۴)

دو. وعاظ و سخنرانان نخبه‌گرا

این طیف از وعاظ عموماً هم‌اندیشی مسالمت‌آمیزی با گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و روشنفکری در مبارزه با رژیم شاه داشتند. میدان مبارزه این گروه از وعاظ از مدارس و دانشگاه‌ها تا زندان‌های سیاسی رژیم شاه بود. نمی‌توان از دبیرستان دین و دانش قم با مدیریت آیت‌الله بهشتی و محمدجواد باهنر نامی نبرد. به علاوه نقشی که این دو روحانی سنتی اما دارای فهم عمیق در رابطه با غرب در تألیف کتب درسی ابتدایی و راهنمایی و دروس تعلیمات دینی از دهه چهل خورشیدی داشتند.

به این ترتیب در سال‌های دهه ۵۰ و هم‌زمان با افزایش روشنگری قشرهای مبارز روحانیان و روشنفکران، شاهد ظهور منبرهای سیاسی و انقلابی هستیم که هم خطبا و هم مخاطبان آنها اکثراً جوان و عموماً از قشر تحصیل کرده‌اند. روحانیانی چون آیت‌الله مطهری، حسینعلی منتظری، شیخ محمدرضا مهدوی کنی،

سیدعلی خامنه‌ای، شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی، شیخ محمد مفتاح، شیخ محمدجواد باهنر و دیگران (مظاهری، ۱۳۸۷: ۱۹۱ - ۱۹۰) نام‌آوران بزرگ این شبکه ارتباطی در راستای انقلاب اسلامی بودند. این شبکه ارتباطات سنتی، منجر به آن شد تا ابتکار عمل در رهبری سیاسی و تهییج جوانان انقلاب از دست روشنفکران که عموماً گرایش‌های چپ و غرب‌گرایانه داشتند، خارج شد و به دست روحانیان افتاد.

یک تقسیم‌کار اجتماعی بین این وعظ و سخنرانان به تناسب نیاز اجتماعی شکل گرفت:

آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله حسینعلی منتظری و حجت‌الاسلام رفسنجانی بنا به وضعیت اجتماعی و حضور در زندان به وعظ و خطابه در میان زندانیان می‌پرداختند. تفسیر قرآن آقای طالقانی بخشی از فعالیت‌های این روحانی در زندان در قالب فعالیت‌ها و ارتباطات سنتی درون زندان است. همچنین آقای رفسنجانی به وعظ و خطابه می‌پرداخت؛ برای مثال ایشان در ختم برادران رضایی (از اعضای مجاهدین خلق قبل از انحراف) در زندان سخنرانی کرد که مورد اعتراض اعضای مارکسیست سازمان قرار گرفت.

در این تقسیم‌کار نباید از نقش بی‌بدیل شهید مرتضی مطهری و علی شریعتی و آیت‌الله مفتاح که با آثار و سخنرانی‌های خود، تأثیر بسیار زیادی در بیداری و روشنگری جوانان گذاردند غافل گردید. مخاطبان این سخنرانان غالباً دانشجویان، مهندسان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها بودند. مطهری نقشی بی‌بدیل در این سال‌ها با استفاده از ابزار منبر و وعظ و خطابه در مبارزه با مارکسیسم باید با غلبه گفتمان مارکسیستی در طبقه متوسط ایران مخصوصاً دانشگاهیان مبارزه فکری می‌کرد. فعالیت مبارزاتی مطهری با ابزار منبر مثال‌زدنی و بی‌مانند است. آثار مهم اخلاقی، فلسفی، کلامی و مانیفستی که برای نظام اسلامی جدید صورت‌بندی شده حاصل سخنرانی‌های استاد در این سال‌های مبارزه است. مطهری در سلسله سخنرانی‌هایی که در فاصله سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶ ایراد کرد، تصویری عمیق از اندیشه ناب اسلامی و الگوی تفکر انقلابی اسلام ارائه کرد که در نوع خود در طول تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر بود. مطهری تئوری‌پرداز بزرگ و اندیشمند حکومت اسلامی بود.

شریعتی نیز با استفاده از پایگاه حسینیه ارشاد و روش سنتی ارتباط (سخنرانی) حرارت عجیبی در میان دانشگاهیان و جوانان و مخالفان رژیم ایجاد کرده بود که دامنه تأثیر آن قابل توجه بود. شریعتی با بهره‌گیری از منطق دیالکتیک و تنویرگرایی خیر - شر، تقابل دو جبهه نور و ظلمت را تقابلی ریشه‌دار و تاریخی از هابیل - قابیل تا حسین - یزید در کربلا می‌دانست. وی با این تحلیل تاریخی تقابل تحول‌خواهان پیرو امام خمینی با شاه را تقابلی حق و باطلی می‌دانست که هرکس در این تقابل کشته شود شهید است و شهید قلب تاریخ است. تحلیل تاریخی و با استناد به مسلمات تاریخ عدالت‌خواهانه تشیع از جانب وی پتانسیل پر قدرتی را برای اقدام انقلابی علیه رژیم استبدادی پهلوی آزاد می‌کرد.

به نظر می‌رسد کانون اصلی تأثیرگذاری آیت‌الله سیدمحمد بهشتی و حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر،

مدارس رژیم و اجتماع فرهنگیان سراسر کشور بود. آنان در اقدامی خلاقانه و متفاوت از سایر روحانیان سنتی، به تأسیس مدرسه اقدام کردند. بعدها مدارس چون مدرسه رفاه و مدرسه علوی در تهران هماهنگ با این چارچوب‌های سنتی راه‌اندازی شدند. کتب تعلیمات دینی به قلم استاد بهشتی و استاد باهنر زمینه‌ای برای شکل‌گیری اندیشه‌های مذهبی در نوجوانان و جوانان بود. به این ترتیب، اجتماع فرهنگیان و معلمان و دانش‌آموزان از اصلی‌ترین کانون‌های مبارزه با رژیم استبدادی پهلوی محسوب می‌گردید و در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ رویداد تحسین برانگیز ۱۳ آبان را خلق کردند.

مهم‌ترین مراکز ارتباطات سنتی در انقلاب

مسجد و منبر

مسجد و منبر، از جمله مراکز ارتباطات سنتی اسلامی به شمار می‌روند که نقش و تأثیر ارتباطی آنها در تاریخ تحولات جامعه شیعی ایران و حفظ و انتقال معارف اسلامی بسیار با اهمیت بوده و تاکنون نیز به عنوان یک شبکه ارتباطی مؤثر و حیاتی عمل کرده است. این مراکز سنتی همواره مراکزی برای ارشاد و اطلاع‌رسانی اجتماعی بودند و مرکز توزیع و نشر اعلامیه‌ها و رهنمودهای حضرت امام علیه السلام و دیگر بزرگان دینی به شمار می‌رفتند. (باهنر، ۱۳۸۷: ۹۰ - ۸۴)

شبکه مساجد و جلسات مذهبی همانند حلقه واسط میان رهبران انقلاب و مردم انقلابی بودند که وظیفه بسیج مردم را در جهت مخالفت سیاست‌های حاکم بر عهده داشتند. (شریف‌پور، ۱۳۸۰: ۷)

جان استمپل، درباره اهمیت مسجد در انقلاب می‌نویسد:

سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران شهر دیگر، از طریق شبکه مسجد انجام می‌گرفت که توسط روحانیون رده بالا، سازمان می‌یافت. (استمپل، ۱۳۷۷: ۷۰)

به گفته حمید مولانا با ممانعت از فعالیت روزنامه‌های آزاد، اجزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های دانشجویی و نطق آزاد، مخالفان رژیم به تنها مرکز فعالیت آزاد (مساجد) که برایشان باقی مانده بود، روی آوردند؛ (مولانا، ۱۳۸۴: ۷۲ - ۷۰) شبکه وسیع مساجد، قبور متبرکه و واعظان این مراکز مذهبی توان و قدرت رسانه‌ای انقلاب بودند و امکان کنترل این مراکز برای رژیم استبدادی سخت بود.

از کارکردهای مهم ارتباطی مسجد، اطلاع‌رسانی در خصوص رویدادها و مسائل اجتماعی دینی است. مساجد عامل مهمی در تکثیر و ارسال پیام رهبران انقلاب به پیروان در اقصی نقاط کشور بودند.

نوار موعظه‌ها و سخنرانی‌های خمینی از محل امامت ایشان در عراق توسط شبکه مسجد به شهر مقدس قم، محل سکونت خمینی قبل از تبعید برده می‌شد. نوارها از قم به شهرهای دیگر ارسال می‌گردید ... این نوارها و جزوه‌ها در مساجد دست به دست مردم می‌گشت ... (استمپل، ۱۳۷۷: ۷۱)

انقلابیان برای آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی مردم و مخاطبان، گاهی در مساجد نمایشنامه‌های مذهبی برگزار می‌کردند و به اجرا در می‌آوردند که حساسیت رژیم را برمی‌انگیخت. (میزبانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۲ - ۳۱) نمایش‌نامه ابودر برگرفته از یکی از سخنرانی‌های دکتر شریعتی، مثالی از این نمایش‌نامه‌های اعتراضی در مقابل رژیم بود.

این مرکز فرهنگی و ارتباطی همچنین جایگاه فرماندهی نیروها و پناهگاه و مرکز سازماندهی نظامی را ایفا می‌کرد و به عنوان سنگر مقاومت مردمی محسوب می‌شد. گزارش‌های ساواک حاکی از این حقیقت است. (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۲ / ۴۳۴)

بازار به مثابه رسانه‌ای انقلابی

بازار به عنوان عضو جدایی‌ناپذیر شبکه سنتی که محل آمد و شد مردم بوده است به عنوان یکی از بارزترین مکان‌های گردهمایی در شهرهای ایران است و هنوز یکی از مهم‌ترین مجاری ارتباط و اخبار در ایران است. قدرت بازار به دلیل اهمیت اقتصادی طبقه تاجر و نیز به دلیل نفوذ سیاسی و اجتماعی آنهاست. بازاریان با تعطیل مغازه‌های خود به نشانه اعتراض که به معنای توقف حیات اقتصادی کشور بود و موجبات ترس و هراس حکومت را فراهم می‌کرد، رژیم را وادار به پس گرفتن فرامین خود می‌کردند. خصوصیت ارتباطی این مرکز سنتی، امکان پراکنش اخبار و اطلاعات و شکل‌گیری افکار عمومی را ایجاد می‌کرد. (مولانا، ۱۳۸۴: ۷۲ - ۷۰) آبراهامیان علل تداوم حیات و اهمیت این مرکز ارتباطی و مهم را در این موارد می‌داند:

۱. بازاری‌ها بر خلاف طبقات جدید توانسته بودند بخشی از سازمان‌های صنفی خود را که کاملاً مستقل از دولت بود، حفظ کنند.

۲. بازاری‌ها نه فقط بر کارگران و دستیاران خود، بلکه بر هزاران دست‌فروش، خرده‌فروش و دلال جزء نیز نفوذ درخور ملاحظه‌ای داشتند؛ چراکه حیات اقتصادی این افراد کاملاً وابسته به بازاری‌ها بود.

۳. دامنه نفوذ بازار، مناطق غیرشهری نظیر مزارع تجاری و کارگاه‌های کوچک روستایی را نیز در برمی‌گرفت. این نفوذ و دسترسی از راه مغازه‌داران روستایی، دست‌فروشان دوره‌گرد، مزارع تجاری ایجاد شده پس از اصلاحات ارضی و کارخانه‌های صنعتی کوچکی انجام می‌شد که به منظور برآوردن نیاز روزافزون به کالاهای مصرفی مانند کفش، کاغذ، لوازم منزل و فرش در اواخر دهه ۱۳۴۰ در مناطق روستایی ایجاد شده بود.

۴. یکی از ابزارهای مهم قدرت بازار، پیوندهای عمیق اجتماعی، مالی، سیاسی، ایدئولوژیک و تاریخی با تشکلهای مذهبی و روحانیان بود که هر لحظه با فشارهای رژیم بیشتر می‌شد. (رهبری، ۱۳۸۳: ۱۰۰ - ۹۸)

اعتصاب بازار به مانند یک شبکه خبری در دوران فقدان وسایل ارتباط جمعی عمل می‌کرد؛ چراکه بسته شدن

بازار به مفهوم رسیدن خبر آن از طریق هزاران نفر از بازاریان سطح شهر به مردم عادی بود. تعطیلی بازار در کار غیرسیاسی‌ترین مردم نیز اختلال ایجاد می‌نمود و آنها را نسبت به کم و کیف موضوع کنجکاو می‌کرد. در عصر وسایل ارتباط جمعی نیز «اعتراض بازار اغلب پرده از روی بعضی جریان‌های برمی‌داشت؛ چون در شرایط اختناق، جراید، رادیو و تلویزیون سانسور شده بودند». (عقیق‌پور، ۱۳۸۵: ۷)

تعامل شبکه ارتباطی بازار، مساجد و روحانیت

شرایط سیاسی اجتماعی جامعه ایرانی زمینه همکاری و اتحاد علما و روحانیت را با بازار، صنعتگران، پیشه‌وران، صاحبان حرف و تجار فراهم ساخت. (فرازی، ۱۳۷۶: ۲۸۶) ارتباط وسیع بین علما و بازاریان موجب شد که بازاریان زیر چتر رهبری علما گرد آیند و همراه با آنان علیه حکومت پهلوی فریاد مبارزه برآورند.

شبکه‌های بازار، دارای پیوندهای قوی با مساجد و روحانیت است که به وسیله وجوهات شرعی از آن حمایت می‌کند. بازاریان با تعطیل کردن و بستن بازار، شرکت در تظاهرات و برگزاری مراسم عزاداری در مساجد به اعتراض برمی‌خاستند و بدین وسیله موفق شدند طبقات و گروه‌های دیگری را با خود همراه کنند. (Parsa, 1985: 623-675)

پیوند ارتباطی سنتی که در طول سال‌ها میان بازار و علما و مساجد حاکم بود شرایط لازم را در جهت گردهمایی‌ها و مراسم مذهبی فراهم می‌کرد. ارتباط‌گران سنتی در بازار از طریق ساماندهی مراسم روضه‌خوانی، تعزیه، دسته‌های عزاداری و اشکال دیگر مناسک مذهبی، موفق شدند مبارزین را بر ضد حکومت بسیج کنند.

همبستگی عمیق بازار و مسجد در ایران، همزیستی آن دو در تحولات اقتصادی و اجتماعی، رشد منابع مالی و انسانی آنان و تأثیری که در همه جنبش‌های سیاسی یک قرن اخیر داشته‌اند وزنه سیاسی و اجتماعی آنان را به مراتب سنگین‌تر کرده است. (اشرف، ۱۳۷۵: ۳۳)

بازار، محملی برای ارتباطات آیینی

برگزاری مراسم مذهبی و سوگواری‌ها و اعیاد مناسبتی که خود، بخشی از پیکره ارتباطات سنتی را تشکیل می‌دهند در این مراکز سنتی و استراتژیک، بیان‌گر نقش ارتباطی بازار است. مثلاً در تمام ایام عزای حسینی در مجموعه بسیاری از بازارها، مراسم تعزیه‌خوانی برپا می‌شد.

بازاریان، در مقابل عملکرد رژیم، شبکه‌های اطلاعاتی، گروه‌های بحث و مناظره دینی و سنت‌های آیینی و فرهنگ اجتماعی خاص اسلامی را تقویت کرده و یکی از پرشورترین و فعالترین طرفداران امام خمینی علیه السلام بودند. (فوران، ۱۳۸۳: ۵۶۸ - ۵۵۴)

بسیاری از سخنرانی‌های تاریخی علما و روحانیان در مجالس عزاداری مساجد صورت گرفته که در بازار قرار داشته‌اند. از جمله، سخنرانی مرحوم فلسفی که در شب عاشورای ۱۳۵۲ در مسجد شیخ عبدالحسین - از جمله

مساجد معروف و محوری بازار تهران - در مجلس عزای سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام با استخدام ادبیاتی حماسی و با بهره‌گیری از پتانسیل ایام عاشورا، شرایط حاکم را به نقد کشید.

مهم‌ترین شیوه‌های ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی

آیین‌های مذهبی به مثابه رسانه‌ای گرم و اثرگذار از جمله ظرفیت‌های دیگری که ارتباط‌گران سنتی انقلاب اسلامی از آن به طور گسترده استفاده کردند، مراسم مختلف مذهبی عزاداری‌ها و سوگواری‌ها و اعیاد مذهبی بود که در زمان‌های مختلف به بهانه‌های مختلف برگزار می‌شد.

در بسیاری از جنبش‌ها، بسیج مردمی و فراخوانی توده در جهت اهداف جنبش، کار بسیار سخت و هزینه‌بری به نظر می‌رسد. اما این مجالس و عزاداری‌ها در انقلاب اسلامی با کمترین هزینه، فرصتی اعتراضی را در اختیار انقلابیان قرار می‌داد.

می‌توان گفت مهم‌ترین و عمده‌ترین و اصلی‌ترین مخاطبان و حتی تولیدکنندگان این مراسم‌ها، مردم عامی و عادی و به عبارت دقیق‌تر فرودستان شهری بوده‌اند. (فیاض، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

نگرش اسلام شیعی ایرانی بزرگ‌ترین ظرفیت و پتانسیل را برای عمق بخشیدن به حرکت‌ها و جنبش‌های مردمی و ضداستبدادی فراهم می‌آورد. شیعه، هم به لحاظ سازمانی و هم به لحاظ فرهنگی در ایجاد انقلاب ایران نقشی تعیین‌کننده داشت. (عنایت، ۱۳۷۷: ۴۶) جریان انقلاب اسلامی که خاستگاه مذهبی و شیعی داشت، در مسیر خود، هیئت‌های مذهبی را هم متأثر کرد و کارکرد سیاسی اجتماعی به آنان بخشید. (درخشه، ۱۳۸۸: ۲۶۵ - ۲۲۲)

هر گروه و دسته اجتماعی عبارت است از عده‌ای افراد که هدف مشترک، فعالیت مشترک، کنش یا تعامل متقابل و احساس تعلق خاطر به هم داشته باشند. (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۹) همه این شاخصه‌ها را می‌توان در سازمان هر هیئت مذهبی مشاهده کرد. هدف مشترک زنده نگه داشتن یاد یک واقعه تراژدیک، یا تکریم یک اعتقاد و باور، یا تکریم یک شخصیت دینی، با فعالیت مشترک عزاداری؛ یا شادمانی برای گرامیداشت یک رویداد تاریخی، در کنار کنش متقابل و تعامل مداح و مخاطبان در مجلس با یکدیگر و احساس تعلق خاطر عضویت در هیئت، همچنین تقسیم کار و سلسله مراتب درونی، جامعیت خاصی به هیئت‌های مذهبی بخشیده است. کسانی که درباره نقش مذهب در انقلاب‌ها و بسیج اجتماعی مطالعاتی انجام داده‌اند، سه نقش اساسی برای مذهب قائل هستند که عبارتند از:

- نقش مذهب در افزایش مشارکت مردم در جریان انقلاب

- نقش مذهب در ایجاد نارضایتی از وضعیت موجود

نقش مذهب در بسیج منابع در فرایند انقلاب (بوت، ۱۳۷۳: ۴۶۳ - ۴۵۳)

بنابراین، آیین‌های مذهبی هر سه نقش مذکور را در طول نهضت اسلامی ایران ایفا کردند. بنا به نظر کولینز هرچند تعداد افراد حاضر در یک جمع و مراسم مذهبی بیشتر باشد، احساسات بیشتر تشدید می‌شود. کولینز همچنین تأکید می‌کند کسانی که مقدار زیادی انرژی احساسی کسب کنند، قادر خواهند بود از طریق ادعاهای مالکیت و اقتدار، تغییرات ساختاری در یک جامعه به وجود آورند و اگر این افراد بتوانند انرژی احساسی دیگران را نیز هدایت و بسیج کنند، همسویی آنان تقویت می‌شود. (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۱۷ - ۱۱۴) با توجه به بعد حماسی و مبارزاتی واقعه عاشورا، بدیهی است که وجود چنین منبعی از احساس متراکم شده دینی تا چه اندازه می‌تواند برای نظام سیاسی مخالف شیعه خطرناک و بحران‌آفرین باشد. خصوصاً، هرچه این مجالس متعدد و پرجمعیت‌تر باشد، احساسات متراکم‌تر می‌شود. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۲۷۴)

بر این اساس، امام خمینی به مناسبت‌های مختلف وعاظ قم را به حضور می‌طلبید و از آنان می‌خواست تا در مجالس سوگواری ائمه علیهم‌السلام، مردم را از اوضاع و احوال مملکت و خیانت‌های رژیم شاه آگاه سازند. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۵۰) امام همچنین با اتکا به کارکرد مهم تبلیغاتی عزاداری و سوگواری طی بیانیه‌ای، نوروز ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کرد. (حسینیان، ۱۳۸۴: ۲۵۱)

فردای آن روز، به مناسبت شهادت امام جعفر صادق علیه‌السلام مجالس روضه‌خوانی و سوگواری در قم و از جمله، در منزل امام برگزار شد. کماندوهای رژیم، عصر همان روز به مجلس عزایی یورش بردند که آیت‌الله گلپایگانی در مدرسه فیضیه برگزار کرده بود و عده کثیری از مردم و طلاب را مجروح کردند. مشابه این اتفاق در مدرسه طالبیه تبریز هم رخ داد. علما و روحانیان در محرم و صفر سال‌های بعد، از پتانسیل عظیم مجالس عزای و هیئت‌های مذهبی، برای زنده نگهداشتن یاد واقعه فیضیه و دیگر جنایات رژیم استفاده کردند. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۶۰)

گردهمایی‌ها و تجمعات

راهپیمایی‌ها و تجمعات اعتراضی مردم و بازاریان، روحانیان و زنان و گروه‌های مختلف اجتماعی در نهضت ضمن اعلام پیام اعتراض و ظلم‌ستیزی به حکومت موجب همگرایی و تقویت روحیه انقلابی شبکه مردمی نهضت می‌شد. در بسیاری از این راهپیمایی‌ها مردم نمادهای ملی و مذهبی مختلفی را با خود حمل می‌کردند و شعارهای انقلابی و اسلامی سر می‌دادند. در این دست اجتماعات، پیام‌ها و شعارهای نهضت در سطح بسیار وسیعی منتشر می‌شد و دیگر دسته‌ها و گروه‌های مردمی که هنوز به کاروان انقلابیان نپیوسته بودند با شبکه مردمی همراه شده و هریک به مثابه رسانه‌ای اثرگذار عمل می‌کردند.

با انتشار خبر دستگیری امام، پس از سخنرانی ۱۳۴۲، مردم و علما در قالب گروه‌ها و دسته‌های به هم پیوسته و با شعار «یامرگ، یاخمینی» و «مرگ بر شاه» به این اقدام اعتراض کردند (همان: ۷۷ - ۷۵) و زمینه اعتراض عمومی و تاریخی مردم در ۱۵ خرداد ۴۳ را فراهم آورد که برخی، از آن به عنوان طلوع انقلاب اسلامی ۵۷ یاد می‌کنند. (رجبی، ۱۳۷۱: ۱ / ۲۶۷ - ۲۶۶)

برخی شواهد تاریخی حاکی از آغاز برخی راهپیمایی‌ها و تجمعات از مرکز ارتباطی و اقتصادی بازار است. بازاریان و اصناف و علما، همچنین با ذکر شعارها و اشعار انقلابی در کنار دیگر اقدشار مذهبی، زمینه‌ساز شورش و راهپیمایی‌هایی در مسیر انقلاب می‌شدند.

رسانه سنگی دیوار در انقلاب اسلامی

یکی دیگر از شیوه‌ها و ابزارهای سنتی به کار گرفته شده در انقلاب اسلامی دیوار نوشته‌ها بودند که با اطمینان می‌توان اعتراف کرد که در تمام طول تاریخ این کشور هرگز در چنین سطح وسیعی و با چنین حجمی، از دیوارها به عنوان مکانی برای انتقال پیام‌های انقلاب استفاده نشده بود. «در این مجموعه نوشته‌ها، خبر، اطلاعیه، تفسیر، نوشته‌های ادبی، شعر، طنز، کاریکاتور و عکس نیز به چشم می‌خورد».

(محسنیان‌راد، ۱۳۶۹: ۲۵)

محسنیان‌راد در این باره می‌نویسد:

در تاریخ معاصر البته نگارش شعار بر دیوارها (نه شعارها و جمله‌های تبلیغاتی برای فروش کالا) در سال‌هایی چون ۱۳۳۲ و ۱۳۴۲ به صورت پراکنده اجرا شد؛ ولی هیچ وقت چون سال ۱۳۵۷، دیوارها چنین انبوه از نوشته نبود. علت این امر را می‌توان بالا بودن نسبت باسوادان به ویژه در شهرها، افزایش جمعیت و مهمتر از آن، مشارکت همه مردم در این امر دانست. علاوه بر این، عوامل فرعی دیگری مانند وجود رنگ‌های اسپری که به سرعت و با کمترین ابزار و اثر بعدی بر روی دست‌ها قابل استفاده بود نیز در گسترش دیوار نوشته‌ها مؤثر بود. (محسنیان راد ۱۳۸۴: ۳ / ۱۶۱۳ - ۱۶۱۲)

اهمیت و نقش ارتباطی دیوار نوشته‌های دوران انقلاب اسلامی در ایران چنان بود که ریموند ویلیامز در کتاب *ارتباطات انسانی و تاریخچه آن* که در ۱۹۸۱ منتشر شد، یک عکس خبری از دیواره مسجدی در تهران را چاپ کرد که دو بانوی چادر سیاه بر سر، در حال تماشای آن هستند. ویلیامز در کتاب خود، از ابداع مردم در نگارش کلمه «شاه» به صورت معکوس نیز یاد کرده است. (محسنیان‌راد، ۱۳۸۴: ۳ / ۱۶۱۳ - ۱۶۱۲ به نقل از Williams, 1981: 154)

محسنیان‌راد با بررسی شعارها و دیوارنوشته‌های دوران انقلاب و مقدار فراوانی و رویکردهای پیام‌ها و اطلاعاتی که با این وسیله و ابزار ارتباطی ساده و فراگیر و مردمی به مخاطبان انتقال می‌یافت می‌نویسد:

۲۳/۷ درصد دیوار نوشته‌های تهران درباره شاه و خانواده پهلوی و رژیم شاهنشاهی، ۱۳/۶ درصد درباره امام، ۹/۶ درصد درباره بختیار و بازرگان و دیگران، ۱۱/۴ درصد علیه ساواک، چماقداران، قانون اساسی، ارتش و کشورها و رژیم‌های دیگر، ۲۵/۲ درصد موافق و در تأیید اسلام، حکومت اسلامی، شهدا، چریک‌های فدایی خلق، مجاهدین خلق، حزب توده، سایر احزاب، ارتش و سایر کشورها و رژیم‌های دیگر، ۱۰/۶ درصد خطاب به مردم درباره تفرقه و

اتحاد، مسلح شدن، کودتا، کارگران و اعتصاب، آزادی و پیروزی و بانوان بوده و ۵/۸ درصد بقیه به سایر مضمون‌ها اختصاص داشته است. (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۲۶)

روشن است که این رسانه سنتی و انقلابی، در جهت‌دهی و فضاسازی هرچه بیشتر جامعه به سمت جریان‌های مبارز رژیم و توزیع اخبار و اطلاعات و اهداف و رویکردهای انقلابیان به همه سطوح جامعه و اقشار مختلف مردم نقش بسزا و تعیین‌کننده‌ای داشت.

مراسم اربعین (چهل‌م) شهیدان

گرامیداشت چهلمین روز وفات درگذشتگان از جمله سنت‌های تشیع است. جان‌فوران در تحلیل خود از نقش مراسم مذهبی چهلم، در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی می‌نویسد:

دولت آمادگی اعتراض‌های ادواری را که به مناسبت چهلم‌ها برگزار می‌شد، نداشت. ایرانیان بر طبق سنت مذهبی خویش، چهلمین روز درگذشت شهیدان را گرامی می‌داشتند. ۱۸ فوریه (۲۹ بهمن) به مناسبت برگزاری چهلم شهدای قم (۹ ژانویه / ۱۹ دی)، در تبریز، قم، مشهد و نه شهر دیگر، مراسمی برپا شد. پلیس در تبریز جوانی را به ضرب گلوله از پای در آورد و جماعت خشمناک ... بیش از یک صد نفر در این جریان جان باختند. با برگزاری چهلم شهیدان تبریز در بهار، روزهای ۳۰ - ۲۸ مارس (۱۰ - ۸ فروردین) در بیش از ۵۵ شهر، بار دیگر مردم با پلیس درگیر شدند ... (فوران، ۱۳۸۳: ۵۶۰ - ۵۵۹)

این سنت پویای مذهبی در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به کانونی حرکت‌بخش برای قیام علیه رژیم پهلوی تبدیل گردید. آنگاه که در دفاع از مرجعیت و شخصیت امام خمینی علیه‌السلام در سال ۱۳۵۶ خورشیدی قیام تاریخی ۱۹ دی شکل گرفت، عده‌ای از مؤمنان شهر قم در حمله نیروهای انتظامی رژیم شاه به شهادت رسیدند. در چهلم شهدای قم، قیام بزرگ ۲۹ بهمن شهر تبریز به وقوع پیوست. به همین ترتیب مراسم چهلم شهیدان، انقلاب اسلامی را به شهرهای ارومیه، اصفهان و سایر شهرهای ایران و در تداوم قیام سال ۵۶ قم به سال ۱۳۵۷ و گسترش آن به سایر شهرهای ایران تسری داد. بنابراین، یک مراسم سنتی مذهبی به مثابه یک رسانه پر قدرت و حرکت‌بخش ظاهر می‌گردد. اربعین شهیدان انقلاب اسلامی به مثابه یک مراسم سنتی و دیرپا نقش رسانه‌ای قوی خود در سال‌های ۱۳۵۷ - ۱۳۵۶ را به خوبی ایفا کرد، به طوری که برخی از تحلیل‌گران انقلاب اسلامی با برجسته‌سازی مراسم سنتی اربعین، انقلاب اسلامی را پیروزی پس از گرامیداشت ده اربعین می‌دانند. (۱۹ دی‌ماه ۵۶ تا ۲۲ بهمن‌ماه ۵۷)

انجمن‌های اسلامی و کانون‌های مذهبی

پس از سرکوب قیام پانزده خرداد به رهبری امام خمینی علیه‌السلام و ترور حسنعلی منصور در سال ۱۳۴۳ خورشیدی توسط هیئت‌های مؤتلفه اسلامی، فعالیت انجمن‌ها و کانون‌های اسلامی خیلی سخت شد. امام خمینی به ترکیه و

سپس عراق تبعید شد و اعضای نهضت آزادی به زندان‌های طویل‌المدت در برازجان تبعید شدند. اما کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور فعال بود. این کنفدراسیون پس از قیام پانزده خرداد متأثر از اندیشه و رهبری سیاسی امام خمینی بود. بنابراین، در چهارمین کنگره (۱۳ تا ۱۷ دیماه ۱۳۴۳) کنفدراسیون، پیامی خطاب به حضرت آیت‌الله خمینی ارسال گردید. کنگره سیزدهم کنفدراسیون (۱۸ تا ۲۲ دیماه ۱۳۵۰) منعقد در شهر فرانکفورت به آن مقام محترم (آیت‌الله خمینی) درود فرستاده و پشتیبانی کامل خود را از مبارزات عادلانه و به حق جامعه روحانیت مرفعی علیه استعمار، صهیونیسم و ارتجاع داخلی اعلام می‌کند. انتشار اعلامیه‌های آیت‌الله خمینی در نشریه‌های کنفدراسیون، نمونه دیگری از حمایت آن سازمان از مبارزه نیروهای مذهبی شمرده می‌شد. (شوکت، ۱۳۷۸: ۳۵۹)

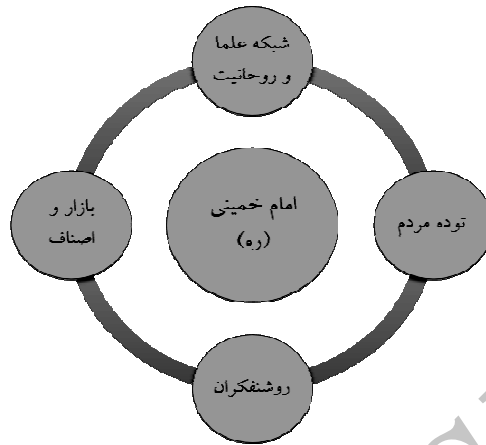
تبادل نامه بین حجت‌الاسلام مصطفی خمینی و کنفدراسیون و ملاقات نماینده کنفدراسیون با امام خمینی در عراق در ارتباط با تأثیر و نفوذ رهبری امام خمینی در گروه‌های مدرن اجتماعی و پیوستن آنان به گروه‌های مذهبی و سنتی جامعه و به صورت مشخص، روحانیت در مبارزه با رژیم شاه از اهمیت برخوردار است. کنفدراسیون در چهاردهمین کنگره (۱۴ تا ۲۱ دیماه ۱۳۵۱) ضمن ادای احترام به مقام شامخ رهبری امام خمینی پشتیبانی کامل خود را از مبارزات عادلانه و به حق جامعه روحانیت مرفعی ایران علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع داخلی به سرکردگی دربار پهلوی اعلام کرد. نکته پراهمیت در پیوستن کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور به عنوان تشکیلاتی مدرن به موج انقلاب اسلامی، متأثر بودن این تشکیلات از موج سنت و رهبری امام خمینی است. برخی از اعضای این تشکیلات نقش مهمی در انتقال رهبری نهضت ضداستبدادی از عراق به اروپا و رسانه‌ای شدن موج انقلاب ملت ایران در ابعاد جهانی پیدا کرد.

نتیجه

از جمله عوامل مهم تأثیرگذار در انقلاب اسلامی شبکه ارتباطات سنتی و حوزه‌های عمومی و اجتماعی است که در سطح وسیعی در این حرکت نقش‌آفرین بوده است. شبکه ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی موجبات شگفتی بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان حوزه علوم اجتماعی را فراهم آورد؛ چراکه این شبکه فراگیر و ساده توانست در برابر پیشرفته‌ترین ابزار مدرن ارتباطی و حکومتی مثل رادیو و تلویزیون و مطبوعات، مقاومت کرده و بر آن فائق شود. روحانیان و وعاظ و سخنوران به عنوان ارتباط‌گران سنتی نهضت از طریق سخنرانی و ارتباط دوسویه با توده مردم و بازار نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت افکار عمومی به سمت اهداف انقلاب داشتند. به جرأت می‌توان گفت اگر حضور و نقش‌آفرینی پنهان و آشکار این شبکه نبود هرگز انقلابی با این ابعاد و ویژگی‌ها و محتوا به وقوع نمی‌پیوست.

در هر انقلابی برای اینکه مسیر حرکت درست پیموده شود و به نهایت مقصود خود برسد وجود رهبری یک ضرورت بنیادی است که انقلاب را مدیریت کند. این چیزی بود که روحانیت نهضت به نحو شایسته‌ای

توانست از عهده آن برآید. مطالعه تاریخ انقلاب اسلامی، بازگوکننده این واقعیت است که در شکل‌گیری، تداوم، بسیج، سازماندهی، اداره و نهادینه کردن انقلاب، امام خمینی ره نقشی اساسی داشته است و حرکت مردم و روشنفکران و دیگر عناصر انقلاب با محوریت ایشان شکل گرفته و تداوم می‌یافت.



شکل ۱. امام خمینی ره مرکز ثقل شبکه ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی

اسلام و حاکمیت مذهب و آموزه‌های دینی مهم‌ترین پیام و محتوای انقلاب و جریان حاکم بر انقلاب اسلامی بود و در تمام طول مسیر انقلاب روحانیت، مساجد و منابر و هیئت‌های مذهبی و بازار به عنوان اجزای شبکه ارتباطات سنتی در جهت نیل به این مقصود بزرگ حرکت می‌کردند. در انقلاب اسلامی مجالس عزاداری به مثابه رسانه‌ای گرم و انقلابی عمل می‌کردند.

پیوند ارتباطی سنتی که میان بازار و علما و مساجد حاکم بود شرایط لازم را در جهت گردهمایی‌ها و مراسم مذهبی فراهم می‌کرد. ارتباط‌گران سنتی در بازار از طریق ساماندهی مراسم روضه‌خوانی، تعزیه، دسته‌های عزاداری و اشکال دیگر مناسک مذهبی، موفق شدند مبارزان را بر ضد حکومت بسیج کنند. بازار در انقلاب، هم مرکز اطلاع‌رسانی و اخبار و اطلاعات نهضت بود و هم محملی برای ارتباطات آیینی و رسانه مجالس و تجمع‌های اعتراضی علیه حکومت. رسانه بازار به سبب ساختار شکلی و کارکردی آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در نهضت داشت. رسانه سنگی دیوار در انقلاب اسلامی یکی دیگر از شیوه‌ها و ابزارهای سنتی به کار گرفته شده بودند که با اطمینان می‌توان اعتراف کرد که در تمام طول تاریخ این کشور هرگز در چنین سطح وسیعی و با چنین حجمی، از دیوارها به عنوان مکانی برای انتقال پیام‌های انقلاب استفاده نشده بود. به این ترتیب نقش اثرگذار و عمیق ارتباطات سنتی در جنبش‌ها و تحولات اجتماعی سیاسی ایران معاصر و اهمیت آن در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ارتباطی بیش از پیش روشن می‌گردد.

منابع و مأخذ

۱. آبراهامیان، پرواند، ۱۳۷۹، *ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
۲. استمپل، جان. دی، ۱۳۷۷، *درون انقلاب اسلامی*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، نشر رسا.
۳. اشرف، احمد، ۱۳۷۵، «نظام صنفی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران»، *مجله گفتگو*، شماره ۱۴، زمستان ۷۵.
۴. ایمانی، علی، ۱۳۸۳، *مبانی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی در اندیشه سیاسی امام خمینی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۵. باهنر، ناصر، ۱۳۸۷، *دین و رسانه، از رسانه‌های سنتی تا تلویزیون*، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات صدا و سیما.
۶. بوت، ای، ۱۳۷۳، «نظریه مذهب و قیام تجربه آمریکای مرکزی»، *سیاست خارجی*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، سال هشتم، شماره دوم، تابستان و پاییز ۷۳.
۷. مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸، *یاران امام به روایت اسناد ساواک*، ج ۲، ۵، ۹، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۸. _____، ۱۳۸۳ الف، *حسینیة ارشاد به روایت اسناد ساواک*، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۹. _____، ۱۳۸۳ ب، *واعظ شهیر شیخ احمد کافی به روایت اسناد*، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۱۰. تافلر، الوین، ۱۳۷۰، *جابه‌جایی در قدرت*، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران، نشر نی.
۱۱. توسلی، محمدرضا، ۱۳۷۰، «وضع حوزه‌ها در زمان تبعید امام»، *حضور*، شماره دوم، آبان ۷۰.
۱۲. جلیلی، هدایت، ۱۳۷۴، «نهاد مرجعیت در دوران نهضت و نظام»، *در انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، ج ۱، تهران، ناشر معاونت امور اساتید و معارف اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری.
۱۳. جمال‌زاده، ناصر، ۱۳۸۷، «مذهب و انقلاب در ایران، چالشی برای تعدیل و تعمیم نظریه‌های انقلاب» در *جلال درخشه، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۴. حاجتی، احمدرضا، ۱۳۸۱، *عصر امام خمینی* علیه السلام، قم، نشر بوستان.
۱۵. حسینیان، روح‌الله، ۱۳۸۴، *سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران (۱۳۴۳ - ۱۳۴۱)*، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۶. درخشه، جلال، ۱۳۸۸، «عاشورا و انقلاب اسلامی ایران»، در جلال درخشه، مجموعه مقالات سومین کنگره عاشورا پژوهی معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه با مشارکت دانشگاه امام صادق علیه السلام، ج ۱، تهران، ناشر شرکت چاپ و انتشارات اسوه (وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه).
۱۷. دوانی، علی، ۱۳۸۲، *خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. رجیبی، محمدحسن، ۱۳۷۱، *زندگینامه سیاسی امام خمینی علیه السلام*، ج ۱، تهران، کتابخانه ملی ایران.
۱۹. رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۶، *توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۰. _____، ۱۳۸۰، *آناتومی جامعه*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۱. رهبری، مهدی، ۱۳۸۳، *اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. سلیمی، حشمت الله، ۱۳۸۶، *مبارزات روحانیون و وعاظ مساجد به روایت اسناد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. شریف پور، رضا، ۱۳۸۰، *مسجد و انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۴. شوکت، حمید، ۱۳۷۸، *کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی*، تهران، نشر عطایی.
۲۵. عقیق پور، محمد، ۱۳۸۵، *نقش بازار و بازاری در انقلاب اسلامی*، تهران، بینا.
۲۶. عنایت، حمید، ۱۳۷۱، «انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹»، ترجمه مینا منتظر لطف، فرهنگ توسعه، شماره چهارم، بهمن و اسفند ۷۱.
۲۷. _____، ۱۳۷۷، «انقلاب اسلامی، مذهب در قالب ایدئولوژی سیاسی»، ترجمه سعید الهی، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال ۱۳، شماره ۱۳۸ - ۱۳۷، بهمن و اسفند ۷۷.
۲۸. فارسی، جلال الدین، ۱۳۶۸، *فلسفه انقلاب اسلامی*، تهران، امیرکبیر.
۲۹. _____، ۱۳۷۴، *فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی*، تهران، ناشر بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام.
۳۰. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۷۶، *درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی*، قم، معاونت امور اساتید و درس معارف اسلامی.
۳۱. فرقانی، محمدمهدی، ۱۳۸۷، *درآمدی بر ارتباطات سنتی*، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
۳۲. فلسفی، محمدتقی، ۱۳۸۲، *خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی*، تدوین علی دوانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۳. فوران، جان، ۱۳۸۳، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از*

- انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا.
۳۴. فیاض، ابراهیم و جبار رحمانی، ۱۳۸۶، «مناسک عزاداری و وجدان جمعی در تشیع ایرانی»، نامه صادق، سال چهاردهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۸۶.
۳۵. محسنیان‌راد، مهدی، ۱۳۶۹، «بررسی دیوار نوشته‌های دوران انقلاب»، رسانه، سال اول، شماره ۴، زمستان ۶۹.
۳۶. _____، ۱۳۷۵، *انقلاب مطبوعات و ارزش‌ها، مقایسه انقلاب اسلامی و مشروطیت*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳۷. _____، ۱۳۸۴، *ایران در چهار کهنکشان ارتباطی «سیر تحول تاریخ ارتباطات در ایران، از آغاز تا امروز»*، ج ۲، تهران، سروش.
۳۸. محمدی، منوچهر، ۱۳۷۲، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران، امیرکبیر.
۳۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸، *پیرامون انقلاب اسلامی*، قم، صدرا.
۴۰. مظاهری، محسن حسام، ۱۳۸۷، *جامعه‌شناسی آئین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران با تأکید بر دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۴۱. ملکوتیان، مصطفی، ۱۳۷۷، *انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی*.
۴۲. مولانا، حمید، ۱۳۷۱، *گذر از نوگرایی*، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
۴۳. _____، ۱۳۸۴، *ارتباطات جهانی در حال گذار «پایان چند گونگی»*، تهران، سروش.
۴۴. میزبانی، مهناز و همکاران، ۱۳۸۳، *نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۵. میلانی، محسن، ۱۳۸۱، *شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی*، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران، ناشر گام نو.
46. Elihu katz, 1980, "preface in chin-chuan lee", *Media Imperialism Reconsidered*, Beverly calif, sage.
47. Misagh Parsa, 1985, "Economic Development and political Transformation: A Comparative Analysis of the United States, Russia, Nicaragua and Iran", *Theory and society*.